

بررسی فلسفی دلایل عمل اخلاقی اهدای عضو و اصول و روش‌های تربیتی ترغیب‌متریبان به

انجام آن مبتنی بر دیدگاه اسلامی عمل^۱

مراد یاری دهنوی^۲ و حمید بلوچی^۳

چکیده

خداوند طبق آموزه‌های قرآن کریم، نجات جان یک انسان را برابر با نجات جان همهٔ آدمیان می‌داند. در فرهنگ پزشکی و درمان معاصر، اهدای عضو و بافت (پس از مرگ مغزی) یکی از راه‌های نوین در درمان و نجات جان انسان‌هاست. عمل به چنین ارزش اخلاقی و انسانی، می‌تواند این آموزهٔ الهی را تحقق ببخشد. این عمل اخلاقی و ارزشی، در قلمروهای مختلف پژوهشی چون پزشکی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حقوق مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است، اما از منظر تربیتی و آموزشی، پژوهشی انجام نشده است. در این راستا، پژوهش حاضر، دو هدف را دنبال کرده است. نخست علل و عوامل گوناگون بیان‌شده در مورد ترغیب افراد به انجام عمل اخلاقی اهدای عضو را از منظری فلسفی، دسته‌بندی و تبیین نموده است و سپس با اتخاذ یک دیدگاه فلسفی (دیدگاه اسلامی عمل)، مبانی، اصول و روش‌های تربیتی ترغیب‌متریبان به شرکت در این عمل اخلاقی را استنتاج کرده است. برای هدف نخست پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی و برای هدف دوم آن از روش پژوهشی الگوی بازسازی فرانکنا استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان دلایل برشمرده شده برای ترغیب افراد به این عمل اخلاقی را در چهار حیطهٔ عقلانی، عاطفی، روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه دسته‌بندی کرد. متناسب با مبانی سه‌گانهٔ عمل آدمی از دیدگاه اسلامی عمل، اصول سه‌گانهٔ تربیتی آگاهی‌بخشی در باب عمل اخلاقی اهدای عضو، اصل تحول‌آفرینی عاطفی در باب آن و اصل دعوت/زمینه‌سازی اراده‌ورزانه متریبان در ساحت آن، به همراه روش‌های تربیتی مستقیم، نیمه مستقیم و غیرمستقیم تحقق این اصول، به‌مثابهٔ راهنمای درونی کردن و ترغیب‌متریبان به انجام آن، پیشنهاد شده‌اند.

واژگان کلیدی: اهدای عضو، دیدگاه اسلامی عمل، تعلیم‌وتربیت، اصول و روش‌ها

^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵

^۲ . استادیار دانشگاه کرمان (نویسنده مسئول)؛ myaridehnavi@gmail.com

^۳ . دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه کرمان؛ hbalochi@ens.uk.ac.ir

مقدمه

در آموزه‌های دین مبین اسلام، نجات جان انسان‌ها از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. چنان‌که خداوند نجات جان یک انسان را برابر با نجات جان همه آدمیان می‌داند (مأئده: ۳۲). یکی از دستاوردهای بزرگ علم پزشکی معاصر برای نجات جان انسان‌ها، پیوند اعضا و بافت‌های بدن می‌باشد؛ زیرا با جایگزین کردن عضو و بافت سالم با اعضای بیمار، می‌توان به درمان قطعی و درازمدت بسیاری از بیماری‌ها و نارسایی‌ها امیدوار بود (زمانی و همکاران، ۱۳۹۵). براساس آمار انجمن اهدای عضو ایرانیان، سالانه در حدود هشت‌هزار نفر بر اثر «مرگ مغزی»^۱ جان می‌بازند و از این تعداد، تنها اعضای نهصد نفر از آنان به افراد نیازمند اهدای عضو، اهدا می‌شود. این در حالی است که «اهدای عضو»^۲ هر فرد مرگ مغزی، می‌تواند جان یک تا هشت نفر را نجات دهد. کم بودن تعداد اهداکنندگان عضو در مقایسه با میزان جان‌باختگان ناشی از مرگ مغزی در ایران، در حالی است که به گفته‌ی مسئولان بیش از بیست‌وپنج هزار نفر در کشور برای نجات جان خود و زندگی عادی در نوبت دریافت اعضای پیوندی هستند و روزانه حدود سه تا هفت نفر از این بیماران نیازمند به پیوند اعضا، در کشور جان خود را از دست می‌دهند (انجمن اهدای عضو ایرانیان^۳، ۱۳۹۸). با توجه به اهمیت و جایگاه پیوند اعضا در نجات جان انسان‌ها، ضرورت آگاهی‌بخشی و تغییر نگرش‌ها و باورهای نادرست جامعه در مورد این عمل اخلاقی خیرخواهانه نمود بیشتری پیدا می‌کند. چنان‌که به گفته‌ی متخصصان پزشکی، عدم آگاهی و باورهای نادرست

^۱ Brain death

^۲ مرگ مغزی برخلاف حالت کما، به وضعیت غیر قابل بازگشت همه عملکردهای مغز اطلاق می‌شود. در چنین وضعیتی همه نورون‌های مغز در نتیجه هیپوکسی تخریب می‌شوند. مرگ مغزی یکی از معیارهای قطعی تعیین کننده مرگ است. امکان بهبودی و بازگشت بیمار مرگ مغزی به هیچ عنوان وجود ندارد. ولی فردی که در حالت کما قرار دارد، از سطح هوشیاری قابل قبول برخوردار است و برخلاف مرگ مغزی نورون‌های مغزی تخریب نشده و امکان برگشت به زندگی برای فردی که به کما می‌رود، بسیار بالا است.

^۳ organ donation

^۴ انجمن اهدای عضو ایرانیان که به‌صورت یک سازمان مردم‌نهاد غیرانتفاعی، غیرسیاسی و غیردولتی توسط عده‌ای از متخصصین فراهم‌آوری و پیوند اعضا و فرهیختگان عرصه هنر و فرهنگ کشور در سال ۱۳۹۴ تأسیس گردیده است و در جهت استفاده بهینه از اعضای همه افراد مرگ مغزی مناسب اهدا در جهت نجات بیماران نیازمند پیوند تلاش می‌کند. در این راستا انجمن با ارتقای یکپارچه آمار [اهدای عضو] در کشور در نهادینه سازی این فرهنگ نوپا در ایران می‌کوشد. همه ایرانیان دارای کد ملی ۱۰ رقمی می‌توانند با مراجعه به وب سایت www.ehda.ir برای دریافت کارت اهدای عضو اقدام کنند تا هم به صورت آنلاین و آنی کارت خود را دریافت کرده و هم تمایل آنان نسبت به اهدای عضو در دسترس دست اندرکاران این امر در سراسر کشور قرار گیرد.

در مورد این عمل ارزشی، بزرگ‌ترین مانع فرهنگی در این زمینه است. (پایگاه خبری پیرامون^۱، ۱۳۹۹) بنابراین به نظر می‌رسد مهم‌ترین نهاد ایده‌آل فرهنگ‌ساز برای تحقق این مهم، نظام تعلیم و تربیت یک جامعه باشد. براساس نظر کارشناسان، اینک ایران در استانداردهای جهانی اهدای عضو، از جایگاه مناسبی در خاورمیانه برخوردار است که می‌توان با فرهنگ‌سازی تربیتی این جایگاه را ارتقا بخشید. از جمله تلاش‌های فرهنگی بسیار ارزشمند ملی و بین‌المللی در این زمینه می‌توان به این امر اشاره کرد که روز ۳۱ اردیبهشت مصادف با سالروز فتوای تاریخی امام خمینی (ره) مبنی بر جایز بودن اهدای عضو با تلاش مسئولان واحد فراهم آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و با همت واحد اهدای عضو بیمارستان دکتر مسیح دانشوری و با تأیید و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی در تقویم ملی کشور به عنوان «روز ملی اهدای عضو، اهدای زندگی» به ثبت رسیده است. دکتر فاضل که از او به عنوان پدر اهدای عضو ایران نام می‌برند، از حضرت امام فتوای مجاز بودن اهدای عضو از افراد مرگ مغزی را در این تاریخ گرفتند و از آن موقع به بعد در کشورمان، این روز به عنوان روز ملی اهدای عضو، اهدای زندگی به ثبت رسیده است. علاوه بر ایران، کشورهای مختلف سراسر جهان نیز با برگزاری روزهای ملی اهدای عضو، سعی در پررنگ کردن اهمیت و جایگاه این عمل انسان دوستانه دارند. روز جهانی اهدای عضو در تاریخ ۱۳ آگوست (مصادف با ۲۳ مردادماه) هر سال در سراسر جهان گرامی داشته می‌شود. اینک از این‌رو، با توجه به افزایش روزافزون بیماران نیازمند به پیوند اعضا و کمبود شدید افراد اهداکننده از یک‌سو و قابلیت‌های بسیار خاص نظام تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی از سوی دیگر، بایسته است که عوامل مداخله‌گر در ترغیب انسان‌ها به این عمل خیرخواهانه و نجات‌بخش واکاوی شود و چگونگی نهادینه سازی آن عوامل در ضمیر متربیان مشخص گردد و این بر عهده نظام تربیتی است که انسان‌های اخلاق‌مدار را پرورش دهد. همان گونه که کانت^۲ عقیده دارد: «با تربیت است که انسان، انسان می‌شود. او همان کسی است که تربیت از او ساخته است و راز بزرگ تکامل انسان در تربیت نهفته است» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۳۶).

^۱ <http://piramun.ir> (بیست و هفت هزار بیمار نیازمند عضو در لیست انتظارند).

^۲ Kant

بنابراین آگاهی بخشی به جامعه نسبت به پیوند عضو و اطمینان از مشارکت فعال اجتماعی برای رسیدن به وضع مطلوب اهدای بافت و اندام، امری بسیار مهم است. مطالعات قبلی نشان می‌دهد که عدم اهدای عضو و یا عدم وجود بافت کافی و اندام‌ها یکی از مهم‌ترین موانع پیوند عضو در جهان است (بورا^۱ و همکاران، ۲۰۰۵). نگرش منفی یا مثبت نسبت به اهدای عضو، یک عامل بسیار مؤثر در اهدای بافت اعضای بدن است. برای افزایش اهدای بافت و اندام لازم است که هر یک از اعضای جامعه، از دانش و آگاهی کافی در این زمینه برخوردار باشند (اوزمن^۲ و همکاران، ۲۰۰۸).

یکی از عواملی که می‌تواند ترغیب‌کننده متربیان نسبت به اهدای عضو باشد، حس «نوع دوستی»^۳ است. نوع دوستی یکی از ویژگی‌های عالی انسانی است که در آن سخاوت و بلندنظری سبب می‌گردد که افراد، نیازهای دیگران را به صورت داوطلبانه در اولویت قرار دهند (شعبانی، ۱۳۹۳). از سوی دیگر، تربیت است که انسان را به سوی چنین لذتی راهنمایی می‌کند. همچنین رفتارها و اعمالی که به رفاه و نیازهای دیگران واکنش مثبت نشان می‌دهند و هدف آن‌ها کمک کردن، سهیم شدن، محبت کردن، توجه نشان دادن، همکاری کردن، حمایت کردن، نجات دادن دیگران و احساس همدلی^۴ و همدردی^۵ با دیگران است، با تربیت افراد پرورش می‌یابند. (قره‌باغی و وفایی، ۱۳۹۱).

استرن^۶ (۲۰۱۲)، بکرز^۷ (۲۰۰۷) و کینگ و فوروو^۸ (۲۰۰۴)، نشان دادند که عواملی مانند مذهبی بودن، دینداری، باورهای دینی، تعهد دینی، ایمان به خدا و احساس رستگاری در ترغیب افراد به انجام اعمال خیرخواهانه نقش اساسی دارند. رمضان‌نژاد و علاءالدینی (۱۳۸۸)، نیز براساس پژوهش خود، معتقدند که هر چه ارزش‌های معنوی و فرا مادی در متربیان نمود بیشتری داشته باشد، گرایش آنان به انجام امور عام‌المنفعه بیشتر می‌گردد.

¹ Burra P, De Bona M, Canova D, d'Aloiso MC, Germani G, Rumiati R

² Ozmen D, Cetinkaya AC, Sarizeybek B, Zeybek A.

³ altruism

⁴ empathy

⁵ sympathy

⁶ Stern, R.

⁷ Bekkers, R.

⁸ King, P.E, & Furrow, j. I.

پژوهش‌های لوین، نورنزیان و فیلبریک^۱ (۲۰۰۱) و مارویاما، فریزر و میلر^۲ (۱۹۸۲)، در مورد نوع دوستی افراد نشان می‌دهد که درونی‌سازی هر چه بیشتر مسئولیت‌پذیری در انسان‌ها، آن‌ها را به میزان بیشتری ترغیب به نوع دوستی می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که عوامل متعددی می‌تواند در ترغیب افراد و اعضای خانواده بیماران مرگ مغزی در اهدای عضو تأثیر داشته باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به پذیرش مرگ مغزی، آمادگی شناختی، کیفیت و زمان مواجهه با بیماری، میانجی‌های تصمیم‌ساز، تعاملات خانوادگی و باورها و انگیزه‌ها اشاره کرد (کیم، الیوت و هاید^۳، ۲۰۰۴). بررسی‌های انجام شده در زمینه تأثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی در مورد اهدای عضو و پیوند نشان می‌دهد که نگرش، رفتارها و عقاید افراد تحت تأثیر زمینه فرهنگی، هنجارهای اجتماعی و عقاید مذهبی آن‌ها قرار می‌گیرد. (بهرام‌پور و همکاران، ۱۳۹۶).

براساس آنچه که بیان شد، در پژوهش‌های پیشین، تلاش‌های گسترده‌ای در زمینه شناسایی علل و عوامل بروز عمل انسان دوستانه اهدای عضو در سایر قلمروهای پژوهشی چون پزشکی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، حقوق و مانند این‌ها، انجام گرفته است، اما مسئله‌ای که کمتر مورد توجه قرار گرفته، فقدان پژوهش و نگاه تربیتی به این موضوع است. با نظر به اهمیت این عمل اخلاقی از یک‌سو و فقدان پژوهش و نگاه تربیتی به آموزش آن از سوی دیگر، هدف اساسی این پژوهش در ابتدا توصیف و دسته‌بندی زمینه‌ها و عوامل ترغیب افراد به انجام این عمل از منظری فلسفی است و در گام دوم، اتخاذ یک مبنای نظری و فلسفی و تبیین مبانی، اصول و روش‌های تربیتی ترغیب‌متریبان^۴ به عمل اخلاقی اهدای عضو براساس آن می‌باشد. از این‌رو، پاسخ به این دو سؤال اساسی، مدنظر این پژوهش است: ۱- علل و عوامل ترغیب افراد به اهدای عضو از دیدگاهی فلسفی، چگونه دسته‌بندی می‌شوند؟ ۲- مبانی، اصول و روش‌های تربیتی ترغیب‌متریبان به انجام عمل اخلاقی اهدای عضو از منظر یک دیدگاه فلسفی (دیدگاه اسلامی عمل) چه می‌باشند؟

^۱ Levine, R.; Norenzayan, A.; Philbrick, K.

^۲ Maruyama, G. Fraser, S.C.; Miller, N.

^۳ Kim, J. R. Elliott, D. Hyde, C.

^۴ با نظر به شرایط سنی و محدودیت‌های عقلی و عاطفی کودکان در دوره کودکی اول و دوم، منظور از متریبان در این مقاله، دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم/دانشجویان/افراد بزرگسال است.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر برای بررسی و دسته‌بندی علل و عوامل ترغیب افراد به عمل اهدای عضو از دیدگاهی فلسفی، از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و برای استخراج اصول و روش‌های تربیتی ترغیب‌متریبیان به انجام آن، از الگوی بازسازی‌شده فرانکنا استفاده شده است. (باقری و همکاران، ۱۳۸۹). چگونگی استفاده از این روش در پژوهش حاضر، در قسمت یافته‌های پژوهش، بیان شده است.

عوامل ترغیب افراد به عمل اخلاقی اهدای عضو از دیدگاهی فلسفی

براساس پیشینه پژوهش، پژوهشگران عوامل متعددی را در ترغیب افراد به عمل خیرخواهانه و اخلاقی اهدای عضو، دخیل دانسته‌اند. اما با اندکی تأمل در آن‌ها، می‌توان به یک دسته‌بندی منسجم فلسفی در این زمینه دست یافت. به طور کلی می‌توان چهار حیطه برای تبیین دلایل ترغیب و بروز این عمل خیرخواهانه و اخلاقی از سوی افراد، برشمرد:

۱- حیطه عقلانی؛ ۲- حیطه عاطفی؛ ۳- حیطه روان‌شناختی؛ ۴- حیطه اجتماعی.

در ادامه به شرح مختصر هر یک از این قلمروها پرداخته می‌شود.

تبیین عقلانی عمل اخلاقی اهدای عضو

فیلسوفانی همانند سقراط^۱، افلاطون^۲ و کانت میزان دخالت عقل را در شناسایی باورها و بینش‌ها، ایجاد نگرش‌ها و تمایلات و بروز رفتارها و اعمال انسان بسیار زیاد می‌دانند. از منظر این اندیشمندان، عقل عامل مهم و محرک رفتارها و اعمال ظاهری و باطنی انسان است که عواطف و اعمال وی را تنظیم می‌کند. از این‌رو عقل در همه زمینه‌های زندگی بشر نقشی اساسی دارد، لذا عملی عاقلانه و مورد پذیرش واقع می‌شود که مطابق با عقل باشد. این دیدگاه، حامی پذیرش عقل به عنوان منبع شناسایی ارزش‌های اخلاقی است. عقل به عنوان تنها داور، هدایت‌کننده و برانگیزاننده فرد به سوی انجام هر نوع عملی است. چنان که در ساختار ایده آدمی از دیدگاه افلاطون، عقل برفراز است و غضب و شهوت به مثابه خدمتکاران اویند. (افلاطون، ۱۳۸۶). از این‌رو، بر پایه این استدلال فلسفی، می‌توان بروز عمل خیر اهدای عضو را نیز یک عمل عقلانی در نظر گرفت.

¹ Socrates

² Plato

بر این اساس، انگیزه عمل خیرخواهانه اهدای عضو به دلیل اینکه از نظر عقلانی کاری پسندیده است، انسان آن را انجام می‌دهد. فردی که در باورها و بینش خود به این نتیجه رسیده است که با اهدای عضو می‌تواند عمل خیرخواهانه عقلانی انجام دهد و به حکم عقل و منطق خود به این نتیجه رسیده است، دست به انجام این عمل زده و باور و اندیشه خود را در عرصه عمل ظاهر می‌سازد. از این رو باید گفت براساس این دیدگاه فلسفی، انسان برای توجیه باورها و عقاید خود، آن‌ها را به محک عقل می‌گذارد و در صورتی که معقول باشند، آن‌ها را پذیرفته و انگیزه پیدا می‌کند که نمود باورهایش در عملی که از او سر می‌زند، نمایان شود. اگر فرد و یا جامعه عمل خیرخواهانه اهدای عضو را کاری عقلانی و مطابق با منطق تشخیص دهند، بینش، نگرش و باورشان جنبه عقلانی به خود می‌گیرد و با تعقل و تفکر درباره مزایا و سودی که این عمل خیرخواهانه برای خود و جامعه آن‌ها دارد، دست به کار می‌شوند و داوطلبانه این عمل اخلاقی را انجام می‌دهند. این تفسیری از نظریه فضیلت، برابر با دانایی از دیدگاه افلاطون است (افلاطون، ۱۳۸۶).

تبیین عاطفی عمل اخلاقی اهدای عضو

عاطفه‌گرایی^۱ یا ناشناخت‌گرایی، مکتبی است که سعی دارد در توجیه رفتار اخلاقی، بر عاطفه و یا احساس تأکید کند. در این دیدگاه، عقل، تفکر و منطق چندان مورد توجه صاحب‌نظران آن نیست، بلکه آن‌ها بر مفاهیمی همچون همدردی، همدلی، نوع دوستی، شفقت، مهربانی و غم‌خواری تأکید دارند. این نوع اندیشه در آرای فیلسوفانی چون هیوم^۲، روسو^۳ و شوپنهاور^۴ نمود دارد که در برابر رویکرد عقل‌گرایی در اخلاق مطرح شده است (غفاری، ۱۳۸۵).

برخلاف عقل‌گرایان که تأکید بر عقل و منطق را در شناخت و عمل، ضروری می‌دانند، عاطفه‌گرایان معتقدند رفتارها و اعمال اخلاقی زمانی اصالت دارند که مبتنی بر هیجان‌ات و عواطف باشند. به عبارت دیگر عاطفه‌گرایان، اخلاقی بودن رفتارهای انسان را مطابقت آن رفتار و عمل با حس همدردی می‌دانند. طبق این نظریه و دیدگاه، عمل انسان‌دوستانه اهدای

1. emotionalism

2. Hume, D.

3. Rousseau, J. J

4. Schopenhauer, A.

عضو، انتخابی صرفاً عقلانی نیست، بلکه این احساس همدلی و همدردی ابتدایی نسبت به دیگران است که باعث بروز این عمل می‌شود؛ یعنی، عمل اخلاقی اهدای عضو تنها زابیدهٔ عواطف بوده و احکام عقلی نیستند که افراد را نسبت به بروز این عمل ترغیب می‌کنند.

چنان که هیوم معتقد است احکام عقلی به امور واقع مربوط می‌شوند، اما برانگیزانندهٔ عمل نیستند. وی معتقد است، عقل انسان خادم عواطف اوست و هرگز نمی‌تواند منصبی جز خدمت به عواطف و اطاعت از آن‌ها داشته باشد (مک اینتایر، ۱۳۷۹: ۳۳۹) روسو نیز معتقد است که طبع انسان موافق رنج دیگران نیست. از نظر او حب ذاتی که در وجود انسان قرار دارد با احساس ترحم و غم‌خواری همخوانی دارد. از نظر او، مهربانی و شفقت، مانع توحش انسان است. بنابراین در چنین شرایطی است که در انسان رفتارها و اعمال خیرخواهانه و انسان دوستانه نمود و بروز پیدا می‌کند (مدرسی، ۱۳۷۱: ۹۵). از نظر شوپنهاور افراد بشر نمایندهٔ یک صورت و نوع هستند و تنها چیزی که می‌تواند مبنای اخلاقی انسان قرار گیرد، همان وحدت ذاتی انسان‌هاست. او معتقد است که این شفقت است که مبنای روابط بین فردی است و به وسیلهٔ آن پیام‌های ارتباطی، شنیداری و دیداری بین انسان‌ها انتقال یافته و رمزگذاری می‌شوند. بنابراین، شفقت مبنای راستین عشق است و اخلاق آنگاه آغاز می‌شود که انسان به واسطهٔ همدلی با دیگران و دلسوزی برای آن‌ها، دست به رفتار و عمل خیرخواهانه می‌زند (غفاری، ۱۳۸۵). در میان متفکران متأخر این دیدگاه، می‌توان از نظریهٔ غمخواری یا مراقبت^۱ گیلیگان^۲ نام برد. او معتقد است، ندای غمخواری در زنان و دختران قوی‌تر از مردان و پسران است. اما این تفاوت جنسیتی اندک است. یعنی افراد هر دو جنس می‌توانند در رابطه با دیگران حس غم‌خواری داشته باشند. در این راستا او یک الگوی سه وضعیتی یا سه سطح تفکر غمخواری را برای چالش طلبیدن الگوی استادش کولبرگ^۳ پیشنهاد داد و معتقد بود که تحول از یک وضعیت به وضعیت دیگر، بیانگر عبور از خود دوستی به سوی مسئولیت‌پذیری بشر برای دیگران است. (سایفر^۴، ۱۹۹۹: ۲۵۳).

بنابر آنچه بیان شد، براساس دیدگاه عاطفه‌گرایان، دلایل ترغیب افراد به انجام عمل اخلاقی اهدای عضو را باید در حیطهٔ عاطفی جستجو کرد. براساس این دیدگاه فلسفی،

¹ caring

² Gilligan, C.

³ Kohlberg, L.

⁴ Seifert, K I.

وقتی انسان در شرایطی قرار گیرد که نسبت به انسان‌های دیگر از نظر عاطفی، احساس‌هایی چون همدلی، همدردی، غمخواری و نوع‌دوستی در او ایجاد شود، او برای همزادپنداری و کمک به هم‌نوع خود، دست به عمل می‌زند. بنابراین در انجام عمل خیرخواهانه اهدای عضو، افراد به دلیل ارضای عاطفی خود و احساس همدلی و غمخواری که با فرد بیمار دارند، ترغیب می‌شوند و اقدام به عمل اهدای عضو می‌کنند. بر طبق این دیدگاه فلسفی، دلیل ترغیب افراد به عمل اهدای عضو بیشتر جنبه عاطفی دارد تا جنبه عقلانی. درست است که در نهایت فرد به صورت عقلانی تصمیم می‌گیرد که عمل اهدای عضو را انجام دهد، اما طبق این دیدگاه دلیل اصلی عمل اخلاقی اهدای عضو، عوامل عاطفی است.

تبیین روان‌شناسانه عمل اخلاقی اهدای عضو

فارغ از تبیین عقلانی یا عاطفی یک عمل، می‌توان از منظری روان‌شناسانه آن عمل را براساس مبنای انگیزشی یا میلی دخیل در بروز آن، تبیین کرد. بر این اساس، هر کاری که از انسان سر می‌زند، نشئت گرفته از انگیزها و امیال درونی یا بیرونی اوست. انگیزه انجام یک عمل اخلاقی و خیرخواهانه مانند اهدای عضو نیز می‌تواند غایت و انگیزش درونی یا بیرونی داشته باشد؛ به عبارت دیگر دلیلی که افراد برای دست یافتن به آن، فعل اخلاقی را انجام می‌دهند و بستری که از طریق آن انگیزه انجام عمل اخلاقی اهدای عضو شکل می‌گیرد؛ می‌تواند دو منبع انگیزش درونی یا بیرونی داشته باشد.

طرفداران رویکرد درون‌گرایی^۱ روان‌شناسانه معتقدند، باور و معرفت درونی افراد به همراه امیال درونی او هستند که باعث برانگیخته شدنش در انجام عمل خیرخواهانه می‌شوند. این دیدگاه را می‌توان در اندیشه افرادی چون هیوم با نظریه باور-میل دنبال کرد. در مقابل، دیدگاه برون‌گرایی^۲ بر این نکته تأکید می‌کند که فرد ممکن است صادقانه باوری اخلاقی را بپذیرد، اما هیچ انگیزه‌ای برای انجام دادن آن نداشته باشد (والس^۳، ۱۹۹۸). از نظر برون‌گرایان، باور اخلاقی و انگیزه رابطه ضروری ندارند و اگر گاهی این دو همراه می‌شوند، تصادفی است؛ به عبارت دیگر، درون‌گراها معتقدند باور اخلاقی به همراه امیال درونی، به‌ضرورت ایجاد انگیزه عمل می‌کند. اما، برخلاف نظر آن‌ها، برون‌گرایان معتقدند باورها،

^۱ Introversion

^۲ Extraversion

^۳ R. Jay Wallace

به طور تصادفی و محتمل‌الوقوع ایجاد انگیزه عمل می‌کنند. یعنی فقط در صورتی منجر به ایجاد انگیزه عمل خواهند شد که بر عنصری بیرونی از جمله اعتقاد به خدا یا عامل دیگر تکیه کنند (ویلیامز، ۱۹۸۱).

تبیین اجتماعی عمل اخلاقی اهدای عضو

برخی از صاحب‌نظران همچون ماکس وبر^۲، علل بروز رفتارها و اعمال انسان را با نظریه کنش اجتماعی^۳ تبیین کرده‌اند. طبق دیدگاه او، کنش اجتماعی رفتارها و اعمالی را شامل می‌شود که دارای معانی ذهنی خاصی باشند. حتی وی معتقد است افراد دلایل بروز رفتار و عمل دیگران را نیز در معانی ذهن خودشان جستجو می‌کنند و رفتار و عمل خود را با توجه به آن معانی، جهت می‌دهند (وبر، ۱۳۷۴). طبق این دیدگاه هر پدیده اجتماعی که رخ می‌دهد، محصول کنش و عمل انسان است. پس کنش انسان با عمل معناداری همراه است. یعنی معنای یک عمل باید در ذهن فرد با جهان‌بینی، ارزش‌ها و ایدئولوژی او سازگاری و مطابقت داشته باشد. لذا بروز پدیده‌های اجتماعی از کنش‌های انسان نشئت می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت پدیده اجتماعی اهدای عضو نیز یک کنش اجتماعی است که تحت تأثیر متغیرهای فرهنگی و ذهنی افراد قرار دارد؛ به عبارت دیگر، شخصی که عمل اهدای عضو را انجام می‌دهد به یک باور آگاهانه رسیده است که این باور می‌تواند ناشی از باور به ارزشمند بودن این رفتار و عمل اخلاقی، مذهبی، اجتماعی، فرهنگی و مانند این‌ها باشد. با توجه به این نظریه، عامل مؤثر در ترغیب افراد به اهدای عضو، قصد و نیت آنان است که در شرایط مختلف تحت تأثیر عواملی مانند ویژگی‌های فردی، میزان آگاهی فرد از عمل اهدای عضو، تصور فرد از ارزیابی دیگران و انگیزه وی برای برآوردن توقعات دیگران قرار می‌گیرد؛ بنابراین نگرش مثبت به اهدای عضو در کنار عوامل اجتماعی بسیاری می‌تواند زمینه ترغیب افراد به اهدای عضو را فراهم سازد. براساس این دیدگاه، علل ترغیب افراد به اهدای عضو، ارزشیابی‌هایی است که فرد از انجام عمل خود، برآورد می‌کند و طبق آن دست به انتخاب‌های ارزشی می‌زند که ممکن است منجر به شرکت در عمل اهدای عضو شود.

1. Williams, Bernard

2. Weber, M.

3. Social Action Theory

تبیین عمل اخلاقی اهدای عضو از منظر دیدگاه اسلامی عمل (نظریه انسان عامل)

براساس الگوی مطرح شده توسط باقری (۱۳۸۰)، می‌توان انسان را به عنوان «عامل» در نظر گرفت. طبق آموزه‌های قرآن کریم، انسان مسئول انجام اعمال خویش است و هر عملی که از او صادر شود، به خودش نسبت داده شده و اوست که مسئول و پاسخ‌گوی صدور اعمالش می‌باشد. براساس این دیدگاه، می‌توان مبانی عمل انسان را در سه نوع مبنای شناختی، مبنای گرایشی (میلی) و مبنای ارادی تبیین کرد. طبق این دیدگاه، چنان‌چه رفتار آدمی (اعم از مشهود و نامشهود) بر این سه مبنا استوار باشد، عمل به حساب می‌آید. مبانی شناختی عمل، ناظر بر تصویری است که فرد از عمل و نتایج حاصل از آن دارد. مبانی گرایشی (میلی)، ناظر بر احساسات، تمایلات و هیجان‌های فرد می‌باشد و مبانی ارادی - اختیاری نیز ناظر به تصمیم‌گیری و گزینش فرد در مورد عمل کردن است. طبق این دیدگاه، زمانی عملی از انسان سر خواهد زد که علاوه بر وجود تصور شناختی و هیجان درونی، تصمیم و گزینش بروز عمل نیز در او نمود پیدا کند (باقری، ۱۳۹۹: ۱۷۷).

نسبت میان این سه مبنا به صورت یک تعامل سه‌گانه است. به این ترتیب که مبنای شناختی و هیجانات فرد در یک تأثیر متقابل با یکدیگر رابطه دارند. زیرا، شناخت بر تصویری که از عمل وجود دارد، متکی است و گرایش و هیجان، ناظر بر احساسات مثبت و یا منفی در زمینه آن عمل است. همچنین شناخت و احساس در تصمیم و انتخاب مؤثر هستند و از طرفی تصمیمات و انتخاب‌ها، بر شناخت و احساس انسان تأثیر می‌گذارند (همان: ۶۲۱). حال با توجه به دیدگاه انسان عامل باید گفت انجام اعمال اخلاقی نیز در چارچوب این مبانی قرار دارند. هنگامی که عمل اخلاقی نوع دوستانه اهدای عضو صورت می‌پذیرد، می‌توان ادعان کرد که بروز این عمل خیرخواهانه و اخلاقی از این مبانی سه‌گانه عبور کرده است. چرا که فرد عامل به این عمل خیر، ابتدا از عملی که انجام می‌دهد، شناختی حاصل کرده و براساس این شناخت، هیجان‌ها و احساسات نوع دوستی یا معنوی در او تحریک شده و برای پاسخ به این احساسات و هیجانات است که تصمیم می‌گیرد اقدام به عمل اهدای عضو نماید.

اینک، با توجه به آنچه در مورد عوامل ترغیب افراد برای شرکت در عمل اخلاقی اهدای عضو از دیدگاه فلسفی بیان شد، به نظر می‌رسد دیدگاه انسان عامل از جامعیت بیشتری برخوردار است و همه جنبه‌های شناختی (عقلانی)، عاطفی، روانی و اجتماعی را برای تبیین یک عمل انسان، دربر می‌گیرد و از فروکاهش مبانی عمل انسان در یک مبنا، پرهیز می‌کند.

از این رو، این دیدگاه جهت تبیین مبانی، اصول و روش‌های تربیتی ترغیب افراد به شرکت در عمل اخلاقی اهدای عضو، استفاده می‌شود.

مبانی، اصول و روش‌های تربیتی ترغیب افراد به شرکت در عمل اخلاقی اهدای عضو

بر پایهٔ مبنای فکری عاملیت انسان، یک عمل اخلاقی مانند اهدای عضو برای نهادینه شدن در جامعه و اینکه مردم به صورت داوطلبانه و از روی رغبت و ایثار به این عمل دست بزنند، نیازمند استوار شدن این عمل بر پایهٔ سه مبنای شناختی، گرایشی و ارادی-اختیاری می‌باشد. بنابراین برای این‌که فرهنگ عمل اخلاقی اهدای عضو نهادینه شود، ضروری است که جهت اشاعهٔ این عمل خیرخواهانه و ترغیب افراد به انجام آن، تکیه بر مبانی شناختی، گرایشی و اختیاری-ارادی مورد تأکید قرار گیرند تا موجبات تسهیل روند اهدای عضو در جامعه فراهم گردد و انسان‌های بیمار بسیاری، حیاتی دوباره بیابند.

از این رو، برای اینکه فرهنگ عمل اخلاقی اهدای عضو به نحو مطلوب در جامعه گسترش یابد، لازم است آموزش آن بر پایهٔ این سه مبنا، استوار گردد؛ به این معنی که ابتدا باید فرد/عامل یک معرفت و شناخت کافی از این عمل خیرخواهانه کسب کند و با آگاهی و اطلاع کافی دریابد انجام این عمل چه بار ارزشی‌ای دارد و چه پیامدهایی برای او و دیگران به همراه خواهد داشت. در مرحلهٔ بعد، احساسات، تمایلات و گرایش درونی اوست که بر اثر این شناخت، باید تحریک شده و میل به انجام عمل اخلاقی اهدای عضو در درون او برانگیخته شود. زیرا در این صورت است که گرایش به دگرخواهی، نوع‌دوستی، همدلی، همدردی به‌واسطهٔ امیال برانگیخته‌شدهٔ او، تحریک می‌شود و انسان را به اقدام و عمل وامی‌دارد؛ به عبارت دیگر انجام عمل اخلاقی اهدای عضو، باید زمینه‌ای عاطفی و احساسی پیدا کند و به شکلی درونی تحریض شود. سرانجام در مبنای سوم که بر جنبهٔ ارادی و اختیاری بودن عمل اخلاقی اهدای عضو تأکید دارد، نشان می‌دهد که فرد باید داوطلبانه و از روی رغبت تصمیم بگیرد که آن را انجام دهد و در زمان سلامت خود و قبل از رخداد احتمالی مرگ مغزی، به انجمن اهدای عضو مراجعه و اقدام به دریافت کارت اهدای عضو کند. یا این عمل اخلاقی، با سازوکار گفته‌شده، توسط نزدیکان وی، صورت گیرد. این در حالی است که او (یا اطرافیان نزدیک وی) کاملاً در تصمیم‌گیری آزادند و می‌توانند با اختیار کامل دست به این عمل بزنند یا از آن سر باز زنند؛ اما به دلیل نهادینه شدن ارزش اخلاقی در درون اوست که تصمیم می‌گیرد این کار نیک را انجام دهد. ذکر این نکته ضروری است که رخ دادن این مراحل سه‌گانه، نیازمند یک رابطهٔ خطی زمانی نیست. بلکه برحسب

ویژگی‌های ذاتی، روان‌شناختی و فرهنگی-اجتماعی هر فرد ممکن است توالی هر یک از این سه مبنا متفاوت باشد؛ اما لازم است که با تقدم و تأخر در شکل‌گیری آن‌ها، در نهایت این مبانی جهت تحقق یک عمل به‌درستی شکل بگیرند.

با تکیه بر دیدگاه باقری و خسروی (۱۳۸۷) در چارچوب راهنمای درونی کردن ارزش‌ها، شیوه‌های آموزشی و تربیتی ترغیب افراد به عمل اخلاقی اهدای عضو را می‌توان در سه دسته روش، تقسیم‌بندی کرد. این موارد عبارت‌اند از:

۱. شیوه مستقیم:

در این شیوه محتوای آموزشی به صورت صریح و آشکار مطرح می‌شود؛ یعنی معلم به صورت آشکار و مستقیم به معرفی، تبیین و تحلیل عمل اخلاقی اهدای عضو و آثار فردی، اجتماعی، معنوی و... آن می‌پردازد تا متریبان را بدین شیوه با این عمل آشنا کند و زمینه اقدام عملی آن‌ها را فراهم سازد. این شیوه آموزش بیشتر تکیه بر فعالیت مربی دارد.

۲. شیوه نیمه مستقیم:

در این روش، عمل اخلاقی اهدای عضو به صورت نامحسوس‌تری نسبت به شیوه مستقیم بحث می‌شود؛ یعنی در ضمن انجام فعالیت دیگر، از طرف مربی ارائه شده و ممکن است او با مطرح کردن این موضوع و به بحث گذاشتن آن، دانش‌آموزان را وادار کند که در مورد آن با یکدیگر به بحث و گفت‌وگو بپردازند. با توجه به اینکه در روش بحث و گفت‌وگو، تبادل نظر و اندیشه وجود دارد، لذا سخن گفتن یک طرفه نیست و دانش‌آموزان، فعالانه نظرات خود را بیان می‌کنند و نقش معلم و مربی از روش مستقیم، محدودتر است. او یک‌جانبه به توصیف و تبیین عمل اخلاقی اهدای عضو نمی‌پردازد، بلکه این مشارکت فعال فراگیران است که به بحث و گفت‌وگوی آن‌ها در این‌باره جهت می‌دهد و چه بسا آن‌ها را به سمت این عمل، ترغیب کند.

۳. شیوه غیرمستقیم:

در این شیوه برخلاف روش‌های مستقیم و نیمه‌مستقیم که به صورت صریح و آشکار و همراه با دخالت مربی یا در جریان بحث و گفت‌وگو با متریبان، انجام می‌شوند، ترغیب به عمل اخلاقی اهدای عضو، بدون اینکه در کانون توجه قرار بگیرد، مطرح می‌شود. به عنوان

مثال، روش الگوپردازی عملی یک شیوه غیرمستقیم است که مورد توجه حامیان نظریه یادگیری اجتماعی (بندورا^۱، ۱۹۷۷)، و تربیت منش (واینه^۲، ۱۹۸۹) قرار دارد که در آن تأکید بر نفوذ عمیق الگوهای نقش در شکل‌گیری رفتارهای اخلاقی مانند اهدای عضو می‌تواند واقع شود. زیرا در این روش معلم آن چه را که قصد آموزشش را دارد، در قالب روش‌های عملی به شاگردانش معرفی کرده و شاگردان با ملاحظه آنچه در رفتار و عمل الگوی معرفی شده، وجود دارد، به آموختن و الگوبرداری از وی خواهند پرداخت.

اینک با توجه به آنچه که در مبانی نظری دیدگاه انسان عامل و شیوه‌های آموزشی آن گفته شد، دلالت‌های تربیتی ترغیب افراد به انجام عمل اخلاقی اهدای عضو ناظر بر سه مبنای شناخت، گرایش و اراده - اختیار است و هر یک از این مبانی با سه روش مستقیم، نیمه‌مستقیم و غیرمستقیم آموزش داده می‌شوند. لذا در پژوهش حاضر برای استنتاج اصول تربیتی ترغیب افراد به عمل اهدای عضو، از روش قیاس عملی بهره گرفته شده است. در قیاس عملی یکی از گزاره‌ها، توصیفی و دیگری تجویزی است و نتیجه نیز اشاره به تصمیم عملی دارد و از نوع تجویزی می‌باشد. (باقری، سجادیه و توسلی، ۱۳۸۹: ۹۸). با توجه به موارد ذکرشده، جدول ذیل، حاوی گزاره‌های توصیفی و تجویزی بر پایه مبنای فکری عاملیت انسان در انجام عمل اخلاقی اهدای عضو است و اصول تربیتی ناظر به ترغیب افراد به انجام آن، بر این پایه استنتاج شده است. به علاوه روش‌های معرفی شده با الهام از دیدگاه باقری و خسروی (۱۳۸۷) در چارچوب راهنمای درونی کردن ارزش‌ها، بازپردازی شده‌اند.

¹. Bandura

². Wynne

گزاره تجویزی	گزاره توصیفی	گزاره نتیجه شده	اصل	روش		
				مستقیم	نیمه مستقیم	غیرمستقیم
برای تحقق عمل اخلاقی اهدای عضو از سوی افراد، باید مبنای شناختی آن در آن‌ها شکل گیرد.	ترغیب افراد به عمل اخلاقی اهدای عضو وابسته به شناخت آن‌ها از این عمل است.	برای ترغیب افراد به عمل اخلاقی اهدای عضو باید شناخت آنان نسبت به این عمل افزایش یابد.	آگاهی‌بخشی در باب عمل اخلاقی اهدای عضو	تبیین ارزش و جایگاه عمل اهدای عضو در جامعه	تبادل نظر و برگزاری بحث گروهی در مورد عمل اهدای عضو	الگوپردازی عملی و معرفی الگوهای برجسته اهدای عضو
برای تحقق عمل اخلاقی اهدای عضو از سوی افراد، باید مبنای میلی این عمل در درون آن‌ها تحقق یابد.	ماهیت رخ دادن عمل اخلاقی اهدای عضو در گروه تحول در گرایش‌ها و امیال درونی افراد است.	برای ترغیب افراد به عمل اخلاقی اهدای عضو، باید در گرایش درونی آن‌ها نسبت به این عمل، تحول ایجاد کرد.	تحول آفرینی عاطفی در درون افراد	تشویق به عضویت در انجمن اهدای عضو	معرفی شخصیت‌هایی که با اهدای عضو خود جان چند انسان را نجات داده‌اند، در قالب داستان، فیلم مستند و دعوت از بازماندگان آنان	الگوپردازی عملی در رفتار مری با عضویت در انجمن اهدای عضو و معرفی نمونه‌های شاخص این عمل اخلاقی
برای تحقق عمل اخلاقی اهدای عضو، باید مبنای ارادی آن در افراد شکل گیرد.	انجام عمل اخلاقی اهدای عضو در گروه تصمیم‌گیری از روی اراده و اختیار فرد است.	در ترغیب افراد به عمل اخلاقی اهدای عضو باید به داوطلبانه، اختیاری و ارادی بودن تصمیم فرد برای گزینش یا طرد آن اهمیت داد.	زمینه‌سازی برای تحقق اراده اهدای عضو در افراد	توصیه به دریافت کارت اهدای عضو	مشارکت دادن دانش‌آموزان در طرح‌های اجتماعی انجمن اهدای عضو	مشارکت خودجوش دانش‌آموزان در برنامه‌های انجمن اهدای عضو

جدول اصول و روش‌های تحقق مبانی سه‌گانه ترغیب افراد به عمل اخلاقی اهدای عضو

اصل آگاهی‌بخشی در باب عمل اخلاقی اهدای عضو و روش‌های آن

از هنگامی که انسان اجتماع تشکیل داد، زندگی وی با بایدها و نبایدهایی همراه گردید. هرچند این بایدها و نبایدها از خاستگاه‌های مختلف برخاسته‌اند، اما به صورت آداب، رسوم، قواعد و قوانین بر نحوه زندگی آدمیان شده‌اند. اگر آدمی از بایدها و نبایدها، که بیشتر به صورت روا و ناروا و یا پسندیده و ناپسند عرضه می‌شوند، فراتر رود و نیک را از بد بازشناسد و این شناخت، وی را به سوی رفتار شایسته برانگیزد، در راه انسان شدن گام برمی‌دارد و به قلمرو اخلاق و تربیت رسیده است (نقیب‌زاده، ۱۳۸۰).

با توجه به نظریه انسان عامل، برای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی مانند ارزش اهدای عضو، لازم است که فرد از ویژگی‌های عمل مورد نظر و آثار آن خوب آگاه شود؛ به عبارت دیگر مری باید برای نهادینه کردن ارزش اخلاقی ترغیب به عمل اهدای عضو، در فراگیرانش نوعی شناخت و بصیرت نسبت به این عمل اخلاقی را فراهم سازد. در ارتباط با این امر مری می‌تواند با تکیه بر شیوه‌های مستقیم، نیمه‌مستقیم و غیرمستقیم زمینه‌ای را فراهم سازد که موجب آگاهی مخاطبانانش در باب عمل اخلاقی اهدای عضو شود. برای تحقق این هدف، مری در روش مستقیم از تبیین ارزش جایگاه اهدای عضو استفاده می‌کند. از آنجایی

که در روش مستقیم، مربی به صورت آشکار و صریح به توضیح و تفسیر موضوع می‌پردازد، روش تبیین ارزش‌ها می‌تواند مزایا و مرزهای عمل اخلاقی اهدای عضو را مشخص سازد و پیامدهای مختلف معنوی، اخلاقی، اجتماعی و... آن را برای وی روشن سازد.

نتایج پژوهش‌های بسیاری نشان داده است که یکی از دلایل مهم عدم رغبت افراد به عمل اهدای عضو، نداشتن یک تصویر روشن و اطلاعات کافی نسبت به این عمل خدایسنده است (عبداللهی و شکرایی فرد، ۱۳۸۶)، (احمدیان، حق‌دوست، علیزاده، ۱۳۸۸)، (منظری، محمدی، حیدری، ۱۳۹۰)، (عابدی، محمدی، عبدیزدان، ۱۳۹۱)، (زمانی و همکاران، ۱۳۹۳) و (کیانی و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین برخی ابهام‌ها و کژفهمی‌هایی در عواملی چون باورهای دینی، هنجارهای اجتماعی، تعصبات قومی و باورهای نادرست باعث شده است که انجام این عمل خیرخواهانه کمتر مورد توجه افراد قرار گیرد. از این‌رو، در اصل آگاهی‌بخش در باب عمل اخلاقی اهدای عضو، مربی با تبیین‌گری و پالایش‌گری که انجام می‌دهد، می‌تواند بسیاری از برداشت‌های نادرست در این باب را از بین ببرد و زمینه درک و داوری صحیح در زمینه این عمل را در مخاطبان و در جامعه فراهم سازد.

در این راستا لازم است که مربیان و مروجان این عمل اخلاقی، میان ایثار و فداکاری انسانی و خدایسنده از یک‌سو و مهرطلبی و شهرت از سوی دیگر، روشنگری ایجاد کنند. زیرا ممکن است فرد تحت تأثیر تلقین دیگران و جو جامعه قرار بگیرد و عملی شبه‌اخلاقی انجام دهد. در چنین شرایطی است که مربیان و کنشگران مروج این عمل اخلاقی باید از روش‌های شبه‌تربیتی چون عادت و تلقین (باقری ۱۳۹۵) پرهیز کنند و با تکیه بر معیارهای عمل تربیتی چون تبیین، ارائه معیارها، تحرک درونی و نقادی، زمینه آگاهی‌بخشی تربیتی متربیان را در مورد این عمل فراهم نمایند. با توجه به آنچه که بیان شد، باید گفت که در روش مستقیم آموزش این عمل اخلاقی، نقش مربی اساسی است و او با اقدام‌های مستقیم تربیتی خود، درصد روشنگری درباره این عمل است تا متربیان با شناخت حدود و ثغور آن، احتمالاً دست به انتخاب این عمل بزنند.

در روش نیمه مستقیم برخلاف روش مستقیم تبیین ارزش‌ها که مربی نقش محوری و صریح دارد، مربی برای درونی کردن ارزش اخلاقی اهدای عضو و شناخت هرچه بهتر آن به وسیله فراگیران و متربیان، دخالت مستقیم ندارد، بلکه روش آگاهی‌بخشی او به صورت نیمه‌مستقیم است. در این شرایط، متربیان در یک فضای چالش‌برانگیز و گفت‌وگویی، دیدگاه‌های مختلف درباره این عمل اخلاقی و پیامدهای آن را به بحث می‌گذارند. چنین

فضایی گفت‌وگویی باعث آگاهی‌بخشی آن‌ها می‌شود و زمینه رفع سوءتفسیرها و کژفهمی‌های آنان را فراهم می‌سازد. البته نقش مربی در اینجا منفعلانه نیست، بلکه او باید موضوع بحث را متناسب با سطح فکری فراگیرانش پیش ببرد و هر جا که لازم است توضیح کافی و روشن داده و استدلال‌های منطقی را بیان کند و بحث و گفت‌وگو را هدایت کند. بنابراین نقش او هدایت‌کننده و تصریح‌گر است و باید دقت کند که به همه دانش‌آموزان وقت کافی برای مشارکت در گفت‌وگو و مباحثه داده شود و مراقب باشد که بحث از روال طبیعی خود خارج نشود و جنبه لفاظی به خود نگیرد یا موجب آشفتگی ذهنی متریبان نشود. در روش نیمه‌مستقیم آگاهی‌بخشی در باب عمل اخلاقی اهدای عضو، دستورالعمل‌ها و رهنمودهای برنامه آموزش فلسفه به کودکان، می‌تواند بسیار مورد توجه و استفاده مربیان قرار گیرد. داستان، عکس یا مستندی کوتاه درباره عمل اخلاقی اهدای عضو می‌تواند در اجتماع پژوهشی یا حلقه کندوکاو این رویکرد آموزشی به بحث گذاشته شود و زمینه آگاهی‌بخشی متریبان را فراهم سازد. به نظر می‌رسد شیوه تأثیرگذاری این روش، از روش آموزش مستقیم بیشتر باشد و باعث تکمیل آن بشود.

در شیوه غیرمستقیم، معرفی الگوهای عملی در زمینه آگاهی‌بخشی درباره عمل اخلاقی اهدای عضو نقش تعیین‌کننده‌ای به خود می‌گیرد. به‌عنوان مثال بسیاری از مشاهیر جامعه مانند دانشمندان، هنرمندان، ورزشکاران و بازیگران سینما که عضو انجمن اهدای عضو می‌باشند^۱، به‌عنوان الگو به متریبان معرفی می‌گردند. به نظر می‌رسد از آنجایی که این افراد در بین نوجوانان و جوانان از محبوبیت بالایی برخوردارند، وقتی که به‌عنوان الگوی عملی در این زمینه مطرح شوند، باعث می‌شود علاوه بر جنبه شناخت و معرفت نسبت به این عمل، سبب شکل‌گیری گرایش درونی اهدای عضو در متریبان نیز بشود و به نحوی الگوپذیری تحقق یابد. در دامن همین شیوه تأثیرگذاری، اقدام عملی عضویت در انجمن اهدای عضو از سوی مربیان مروج این ایده نیک، می‌تواند تأثیر زیادی در شناخت و گرایش متریبان به انجام آن را فراهم سازد.

^۱ چهره‌هایی سرشناس از وادی هنر که در فهرست اهدای داوطلبانه عضو در صورت مرگ مغزی قرار دارند که خوانندگان علاقه‌مند جهت اطلاع از اسامی آن‌ها می‌توانند به سایت انجمن اهدای عضو ایرانیان مراجعه کنند.

اصل تحول‌آفرینی عاطفی در باب عمل اخلاقی اهدای عضو و روش‌های آن

عاطفه‌گرایی به معنای تأکید بر نقش عوامل انگیزشی و عاطفی در انجام یا ترک یک عمل است. با توجه به دیدگاه نظری انسان عامل و چگونگی تحقق یک عمل براساس آن، در راستای تحقق عمل اخلاقی اهدای عضو از سوی متریبیان، لازم است مبانی میلی و گرایشی این عمل در درون آن‌ها، فراهم شود. از این‌رو براساس اصل تحول‌آفرینی عاطفی ضرورت دارد تا زمینه‌ای فراهم شود که در گرایش‌ها و تمایلات دورنی متریبیان نسبت به این عمل اخلاقی، تحولی رخ دهد. در این راستا، مربی باید احساساتی چون نوع‌دوستی، همدردی و غمخواری، همدلی، شفقت، مهر و محبت را در متریبیان نسبت به افراد بیمار و نیازمند دریافت عضو را بارور و تقویت کند. برای تحقق این اصل نیز مربی می‌تواند از روش‌های مستقیم، نیمه‌مستقیم و غیرمستقیم بهره ببرد.

در روش مستقیم، مربیان می‌توانند از شیوه «تشویق به عمل ارزشی اهدای عضو» برای تحول دورنی متریبیان کمک بگیرند. زیرا روش تشویق یک روش مستقیم است که به واسطه آن مربی به صورت آشکار مربی را به انجام عمل مورد نظر تشویق می‌نماید و باعث می‌شود که گرایش و تمایل دورنی فرد به انجام عمل خیر در او تقویت شود. زمانی که تمایل دورنی برانگیخته شود، فرد مبادرت به انجام عمل خواهد کرد.

قابل ذکر است که ماندن فرد در مرحله تشویق کافی نیست و لزوماً تشویق به تنهایی باعث بروز عمل، نخواهد شد بلکه باید به صورت عمیق‌تر زمینه‌های لازم در تحول گرایش‌های انسانی متریبیان را فراهم آورد، به این معنی که بعد از شناخت متریبیان از جنبه‌های گوناگون عمل اهدای عضو و پیامدهای آن، مربی می‌تواند با تشویق آن‌ها به عضویت در انجمن اهدای عضو و شرکت در فعالیت‌های داوطلبانه و انسانی آن انجمن، زمینه آشنایی عمیقی برایشان فراهم کند. به نظر می‌رسد در جریان این آشنایی و تأمل در آن، حس نوع‌دوستی، همدلی و همدردی متریبیان تحریض شود و باعث تحول در گرایش‌ها و امیال دورنی آن‌ها نسبت به انجام دادن این عمل گردد. در این راستا می‌توان برنامه بازدید تربیتی متریبیان از بیماران نیازمند اهدای عضو یک بیمارستان را اجرا نمود تا آن‌ها از نزدیک تجربه زیسته درک غم و انتظار هستی‌شناسانه این بیماران را داشته باشند.

در روش نیمه مستقیم برخلاف روش قبلی، مربی به طور مستقیم مربی را به انجام عمل اخلاقی اهدای عضو تشویق نمی‌کند. بلکه برای تحول در گرایش دورنی وی، اندیشه و منش افراد و شخصیت‌هایی که با اهدای عضو، جان بیماران بی‌شماری را نجات داده‌اند، مورد

بحث و گفت‌وگو قرار می‌دهد؛ یعنی داستان زندگی چنین شخصیت‌هایی را در قالب فیلم مستند، عکس و یا قصه روایت می‌کند. بعد از نمایش این مستند یا خوانش قصه‌ها، مربی از متربیان می‌خواهد که نقطه نظرات و دیدگاه‌های خود را در این باره بیان کنند و خود را به جای اعضای خانواده‌هایی قرار دهند که در فرآیند سخت و هستی‌شناسانه تصمیم برای اهدای عضو یکی از عزیزانشان قرار دارند. در جریان این امر، مربی علاوه بر اینکه با شخصیت‌های آن فیلم مستند رابطه برقرار می‌کند، با بررسی و نقدی که به صورت گفت‌وگویی و گروهی انجام می‌شود، آن‌ها به صورت فعالانه با موضوع فیلم مستند و مسئله مرگ و زندگی در آن، درگیر می‌شوند و این تعامل باعث می‌شود تا در احساسات و عواطف آن‌ها نیز تحولی اقدام برانگیز صورت بگیرد.

در روش غیرمستقیم آموزش عمل اخلاقی اهدای عضو، مربی دست به الگوپردازی عملی زده و الگوهای برجسته شامل شخصیت‌های مشهور علمی، دینی، ورزشی و هنری کشور و جهان را که عضو انجمن اهدای عضو می‌باشند، به متربیان معرفی می‌کند. به نظر می‌رسد این روش با توجه به روحیه الگوگیری نوجوانان و جوانان، تأثیر قابل توجهی بر آن‌ها داشته باشد. چنان‌که پیش‌تر بیان شد، خود مربی نیز می‌تواند با عمل به این کار، تأثیر ژرفی بر متربیانش داشته باشد؛ به عبارت دیگر، مربی که خودش کارت اهدای عضو دارد، سخنش نزد فراگیران و متربیان از نفوذ عمیق‌تری برخوردار خواهد بود. بنابراین عامل بودن خود مربی و همچنین معرفی افراد شاخص جامعه به عنوان الگوهای مورد قبول فراگیران و متربیان، نقش مهمی در تحول درونی امیال و عواطف آن‌ها نسبت به این عمل اخلاقی دارد. اما باید توجه داشت که نقش مربی در اینجا مداخله‌گرایانه و تحمیلی نیست، بلکه او می‌کوشد تنها الگوهای عملی را معرفی کند و به صورت غیرمستقیم متربیانش را به سوی عمل خیرخواهانه اهدای عضو راهنمایی کند این پیروی از سیره عملی الگوهای مناسب است که سبب درونی‌سازی این کار خیر می‌گردد.

اصل زمینه‌سازی برای تحقق اراده اهدای عضو از سوی افراد و روش‌های آن

اخلاق بهترین حوزه‌ای است که می‌تواند مفهوم عاملیت انسان را نشان دهد؛ زیرا افراد به لحاظ اخلاقی، زمانی برای کاری نکوهش یا ستایش می‌شوند که آن را از روی اجبار انجام نداده باشند، بلکه باید انجام عمل اخلاقی و یا پرهیز از عمل غیراخلاقی به صورت ارادی، اختیاری و داوطلبانه باشد (خسروی و باقری، ۱۳۸۷). بر این اساس، عمل اخلاقی اهدای عضو

نیز از این قاعده مستثنی نیست. چنان‌که در مرام‌نامهٔ انجمن اهدای عضو نیز به این نکته اشاره شده است که این عمل اخلاقی باید کاملاً به صورت داوطلبانه و ارادی انجام شود. از این‌رو، برای نهادینه کردن ارزش اخلاقی اهدای عضو براساس مبنای ارادی- اختیاری عمل، مربی در پی آن است که زمینهٔ بروز و تجلی اراده، اختیار و قدرت انتخاب فرد را در مورد عمل اخلاقی اهدای عضو را به نحوی فراهم سازد. این امر باید به نحوی باشد که متربی از روی اراده، اختیار و به صورت داوطلبانه این فضیلت اخلاقی را انجام دهد. برای درونی‌سازی این مبنا نیز مربی می‌تواند از روش‌های مستقیم، نیمه مستقیم و غیرمستقیم استفاده کند.

در شیوهٔ مستقیم، انجام دادن عمل اخلاقی اهدای عضو به صورت صریح و روشن از سوی مربی، دعوت و توصیه می‌شود. به این ترتیب که او به صراحت از متربی دعوت می‌کند که کارت اهدای عضو را دریافت کند و با دخالت مستقیم، نیروی ارادهٔ فرد را در این‌باره به جنبش و تکاپو وا می‌دارد. البته لازم است مربی توجه داشته باشد که مخاطبش شناخت کافی نسبت به عمل اهدای عضو داشته باشد و تحت تأثیر جایگاه و اقتدار معلم قرار نگرفته باشد، بلکه انتخاب او براساس شناخت عمیق، رغبت درونی و داوطلبانه باشد. این مهم زمانی محقق خواهد شد که میان مربی و متربی نوعی هم‌نوایی ارزشی- عاطفی وجود داشته باشد و توصیهٔ مربی در شکل‌گیری ارادهٔ او و جنبش وی برای این اقدام، جنبهٔ دوستانه داشته باشد و از طرف دیگر رضایت والدین دانش‌آموزان هم امری مهم است که باید مورد توجه قرار بگیرد.

در شیوهٔ نیمه مستقیم، برای نهادینه کردن ترغیب افراد به عمل اخلاقی اهدای عضو براساس مبنای ارادی این عمل، مربی می‌تواند از روش مشارکت اجتماعی متربیان استفاده کند. به‌عنوان مثال جشن پیوند اعضا یا «جشن نفس» یا طرح «سفیران اهدای عضو»^۱. مزیت این روش آن است که به دلیل درگیر شدن فراگیران در فعالیت‌های گروهی و مشارکت

^۱ سفیر اهدای عضو نیروی داوطلبی است که با هر شغل و سمتی که دارد، در کنار انجمن اهدای عضو ایرانیان پاره‌ای از مسئولیت‌ها را در رشتهٔ تخصصی خود و گاهی کاملاً دور از آن به عهده گرفته و یکرنگ و خالصانه در کنار دیگر سفیران و پرسنل انجمن حماسه‌های مختلف را در کشور ایجاد می‌نماید. بسیاری از سفیران انجمن، هنرمندان، ورزشکاران، روحانیون و مقاماتی هستند که بودنشان در کنار انجمن موجب تأثیر بسیار مثبت در ارتقای فرهنگ مقدس اهدای عضو و جلب مردم گشته و هر چه بیشتر موجب نهادینه شدن این نهال نوپا می‌گردد. این افراد همیشه بدون چشمداشت در فعالیت‌های مختلف انجمن حضور پیدا کرده و با تبلیغ اهدای عضو به خصوص در فضای مجازی مردم را با مسئلهٔ مرگ مغزی و اهدای عضو آشناتر می‌کنند.

در کارهای فرهنگی متناسب با آن، درونی‌سازی ترغیب افراد به این فضیلت اخلاقی در آن‌ها تسهیل می‌شود. زیرا این نوع مشارکت فعالانه و داوطلبانه باعث تشکیل منش همدلی و همدردی در درون افراد می‌شود و زمینه بروز و تجلی اراده آن‌ها را فراهم می‌سازد.

در روش غیرمستقیم، مربی به صورت نامحسوس فراگیرانش را به طراحی و اقدام خودجوش دسته‌جمعی در فعالیت‌ها و برنامه‌های انجمن اهدای عضو رهنمون می‌سازد. در این شیوه، مربی تنها نقش مشاور را بر عهده دارد و تمامی اقدامات و برنامه‌ریزی‌ها به دست مربیان انجام می‌شود. مزیت این روش آن است که هر یک از مربیان در این مرحله نقشی را بر عهده گرفته و ایفا می‌کند و خودش مستقیماً در طرحی که ارائه داده است، مشارکت می‌جوید. این مشارکت فعال به نهادینه شدن ارزش اخلاقی اهدای عضو در مربیان کمک می‌کند. زیرا اولاً زمینه شناخت جنبه‌های گوناگون این عمل را فراهم می‌آورد و ثانیاً از نظر عاطفی و روانی آن‌ها را با این عمل درگیر می‌سازد و احساسات و تمایلات ایشان را بر می‌انگیزاند و زمینه نمودارشدن اراده‌ورزی‌شان را در این باب، فراهم می‌سازد. به عنوان مثال می‌توان زمینه خودجوش فعالیت مربیان در طرح «سفیران اهدای عضو» وابسته به انجمن اهدای عضو ایرانیان را فراهم ساخت.

در معرفی الگوهای بارز اهدای عضو مربیان باید این نکته را مدنظر قرار دهند که الگوی معرفی شده باید دارای معیارهای مشخص و برجسته‌ای چون همدلی، نوع‌دوستی، غمخواری، ایثار و مانند آن‌ها باشد. این امر از یک طرف مانع شخصیت‌پرستی و از طرف دیگر از پیروی کورکورانه از الگوی معرفی شده، جلوگیری می‌کند (باقری، ۱۳۹۱: ۱۸). لذا در معرفی الگوی تربیتی برای عمل خیرخواهانه اهدای عضو، باید نقش عملی و تربیتی آن به همراه معیارهای اصیل این عمل، مدنظر قرار گیرد تا مربی نه دچار شخصیت‌ستایی شود و نه از آثار تربیتی آن، بی‌بهره شود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی عوامل ترغیب افراد به اهدای عضو از دیدگاهی فلسفی و استخراج دلالت‌های تربیتی آن صورت گرفت. با بررسی و تحلیل عوامل ترغیب افراد به عمل خیرخواهانه و اخلاقی اهدای عضو از منظری فلسفی، این نتیجه حاصل شد که از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف، می‌توان این عوامل را در این پنج حیطة دسته‌بندی کرد: حیطة عقلانی، فیلسوفانی مانند سقراط، افلاطون و کانت معتقدند میزان دخالت عقل آدمی در شناسایی باورها، بینش‌ها، نگرش‌ها و تمایلات در رفتار و عمل انسان بسیار زیاد است. از

منظر این صاحب‌نظران، عقل مهم‌ترین محرک رفتارها و عمل‌های ظاهری و باطنی انسان است و عقل است که احساسات و عواطف فرد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و باعث بروز رفتار اخلاقی در انسان می‌گردد. برخلاف دیدگاه عقل‌گرایی، عاطفه‌گرایان در توجیه رفتارها و اعمال اخلاقی بر عاطفه یا احساس تأکید دارند و مفاهیمی مانند همدردی، همدلی، نوع‌دوستی، شفقت، مهربانی و غم‌خواری را مورد توجه جدی قرار می‌دهند. براساس دیدگاه افرادی چون هیوم، روسو شوپنهاور، گیلیگان، بروز رفتارها و اعمال اخلاقی مانند اهدای عضو زمانی دارای اصالت هستند که مبتنی بر هیجان‌ات، تمایلات و عواطف باشند.

دسته دیگری از اندیشمندان نیز عقیده دارند این حیطه روان‌شناختی است که در بروز رفتارهای اخلاقی تأثیر می‌گذارد. آن‌ها معتقدند هر عملی که از انسان سر می‌زند، نشئت گرفته از انگیزه درونی و بیرونی است و انگیزه مهم‌ترین عامل در بروز یک عمل اخلاقی است. اما دسته دیگر رفتار و عمل اخلاقی انسان را با نظریه کنش اجتماعی تبیین کرده‌اند و اعتقاد دارند کنش متقابل انسان در جامعه رفتارهای او را شکل می‌دهد، لذا ظاهر شدن پدیده‌های اجتماعی از کنش‌های متقابل انسان‌ها ناشی می‌شود. سرانجام نظریه انسان عامل معتقد است که هر عملی که از انسان سر می‌زند به خودش نسبت داده شده و پاسخگوی آن می‌باشد. هر عمل برای تحقق درست نیازمند سه مبنای شناختی، میلی و ارادی است.

بر مبنای نظریه عاملیت انسان، تحقق و نهادینه شدن فرهنگ عمل اخلاقی اهدای عضو در جامعه در گرو تحقق مبانی سه‌گانه شناختی، میلی و ارادی متناظر با آن است. در این راستا می‌توان از شیوه‌های آموزش مستقیم، نیمه‌مستقیم و غیرمستقیم برای تحقق مبانی این عمل بهره جست. اصول سه‌گانه آگاهی‌بخشی در باب عمل اخلاقی اهدای عضو، تحول‌آفرینی عاطفی در مورد آن و زمینه‌سازی جهت تحقق اراده متربیبان درباره آن، با روش‌های مستقیم، نیمه‌مستقیم و غیرمستقیم مطرح شده در متن مقاله، پیشنهاد این پژوهش برای کمک به ترویج این عمل اخلاقی در جامعه است.

منابع

- احمدیان، شمسی. حق دوست، علی اکبر. محمدعلیزاده، سکینه. (۱۳۸۸). مقایسه نظرات خانواده‌های بیماران مرگ مغزی رضایت‌دهنده و امتناع‌کننده از اهدای عضو در زمینه عوامل مرتبط با تصمیم اتخاذشده. مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان. دوره ۱۶. شماره ۴. صص ۳۶۳-۳۵۳.
- افلاطون. (۱۳۸۶) جمهور. ترجمه فؤاد روحانی تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- باقری، خسرو. (۱۳۹۹). عاملیت انسان رویکردی دینی و فلسفی. تهران: واکاوش.
- باقری، خسرو (۱۳۹۱) شخصیت‌شناسی در تاریخ با تأکید بر واقعه عاشورا، (برگرفته از صفحه شخصی نویسنده در سایت آکادمیا) (<https://tehran.academia.edu/KhosrowBagheri>)
- باقری، خسرو (۱۳۸۵) نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران: انتشارات مدرسه
- باقری، خسرو. (۱۳۸۰). تدوین مبانی انسان‌شناختی اسلام برای علوم انسانی، تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش.
- باقری، خسرو. سجادیه، نرگس. توسلی، طیبه. (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بهرام‌پور، راحله. اشک‌تراب، طاهره. برزآبادی فراهانی، طاهره. نصیری، ملیحه. (۱۳۹۶). دانش و نگرش پرستاران بخش مراقبت‌های ویژه استان مازندران در مورد اهدای عضو. مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایران (نشریه پرستاری ایران). دوره ۳۰. شماره ۳۷. صص ۱-۹.
- خسروی، زهره. باقری، خسرو. (۱۳۸۷). راهنمای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی. سال دوم. شماره ۸. صص: ۱۰۵-۸۱.
- رضائی‌نژاد، رؤیا. علاءالدینی، پویا. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر در میزان مشارکت داوطلبان جمعیت هلال احمر. فصلنامه امداد و نجات. دوره ۱. شماره ۱. صص: ۳۴-۲۸.
- زمانی، فرشته. معظم، الهام. معظم، الهه. مقامی‌مهر، آسیه. (۱۳۹۵). بررسی نگرش و رفتار مردم شهر اصفهان در خصوص اهدای اعضا. مجله تحقیقات نظام سلامت. سال ۱۳. شماره ۳. صص: ۲۶۶-۲۶۰.
- شعبانی، زهرا. (۱۳۹۳). تبیین مدل نوع‌دوستی خیرین مدرسه‌ساز در ده سال اخیر (۱۳۹۰-۱۳۸۰). دوفصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی. سال ۹. شماره ۱۹. صص: ۹۴-۶۷.
- عابدی، حیدرعلی. محمدی، محبوبه. عبدیزدان، غلامحسین. (۱۳۹۱). تجارب خانواده‌های بیماران مرگ مغزی از ارتباط و آشنایی با خانواده و فرد گیرنده عضو. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی. سال ۱۳. شماره ۱. صص: ۱۰۰-۹۲.
- عبداللهی، محمد. شکرایی‌فرد، لیلا. (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی اهدای عضو و بافت پس از مرگ مغزی در بین شهروندان تهرانی. فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۳۷. صص: ۳۸-۱.
- غفاری، ابوالفضل. (۱۳۸۵). عاطفه‌گرایی در اخلاق پیشینه تاریخی تا وضعیت پست‌مدرن. مجله مطالعات اسلامی. پیوست شماره ۷۱. صص: ۱۴۷-۱۹۰.
- قره‌باغی، فاطمه. وفاپی، ماریا. (۱۳۹۱). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه توانایی و مشکلات در نمونه کودکان ایرانی. مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی سال ۱۵. شماره ۳. صص: ۲۴۱-۲۳۱.
- کیانی، جمیله. محمدی، مرضیه. کشمیری، سعید. خیراندیش، صدیقه. حاجیونی، علیرضا. عباسی، فرهاد. (۱۳۹۸). آگاهی و نگرش مراجعین و کادر درمانی بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر نسبت به اهدا عضو. دوماهنامه طب جنوب. سال ۲۲. شماره ۳. صص: ۱۸۳-۱۷۴.
- مدرسی، سیدمحمدرضا. (۱۳۷۱). پژوهشی در بنیان‌های زبانی، فطری، تجربی، نظری و دینی اخلاق. تهران: انتشارات سروش.
- مک اینتایر، السیدر. (۱۳۷۹). تاریخچه فلسفه اخلاق. ترجمه ان‌شاءالله رحمتی. تهران: انتشارات حکمت.
- مغزی منظری، زهرا سادات. محمدی، عیسی. حیدری، عباس. (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری خانواده‌های بیماران مرگ در اهدای عضو: یک مطالعه کیفی. فصلنامه پایش. سال ۱۱. شماره ۶. صص: ۹۳۵-۹۱۳.
- نقیب زاده، میر عبدالحسین. (۱۳۸۶). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. تهران: انتشارات طهوری.

- نقیب‌زاده، میرعبدالحسین. (۱۳۸۰). درآمدی به فلسفه. چ پنجم. تهران: کتابخانه طهوری.
- ویر، ماکس (۱۳۷۴). اقتصاد و جامعه. ترجمه عباس منوچهری و دیگران. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی مولی
- Bekkers, R. (2007). Measuring Altruistic Behavior in Surveys: The all or nothing dictator game, *Survey Research Method*. (۳):۱۳۹-۱۴۴
- Burra, P. De Bona, M. Canova, D. Canova, M. d'Aloiso, MC. Germani, G. Rumiati, R. et al. (2005). Changing Attitude to Organ Donation and Transplantation in University Students During the Years of Medical School in Italy. *Transplantation Proceedings*. 37(2): 547-550.
- Kim, Jung Ran (Theresa). Elliott, D. Hyde, Ch. (2004). Korean Health Professionals' Attitudes and Knowledge Toward Organ Donation and Transplantation. *International Journal of Nursing Studies*. 41(3): 299-307.
- King, P.E. Furrow, j.l. (2004). Religion as a Resource for Positive Youth Development: Religion, Social Capital, and Moral Outcomes. *Developmental psychology*, 40(5), 703-713.
- Levine, R. Norenzayan, A. Philbrick, K. (2001). Cultural Differences in the Helping of Strangers, *Journal of CrossCultural Psychology*, 32: 543-560.
- Maruyama, G. Fraser, S. C. Miller, N. (1982). Personal Responsibility and Altruism in Children, *Journal of Personality and Social Psychology*, 42: 659-664.
- Ozmen, D. Cetinkaya, AC. Sarizeybek, B. Zeybek, A. (2008). Knowledge and Views of Students of the Celal Bayar University Manisa School of Health Towards Organ Donation. *Turkiye Klinikleri J Med Sci*. 28(3): 311-318.
- Palmer, M. (1991). *Moral Problem*. Cambridge. The Lutter worth Press.
- Wallace, R. J. (1998). "Moral Motivation" in: Edward Craig, Ed. *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, Version 1.0.
- Seifert. Kelvin, L. (1999). "Constructing a Psychology of Teaching & learning" U.S.A: Houghtonmifflin company .
- Stern, R. (2012). *Understanding Moral Obligation: Kant, Hegel, Kierkegaard*.
- Williams, B. (1981). *Moral Luck*, Cambridge University Press, Cambridge.
- Wynne, E. (1989). *The Great Tradition in Education Transmitting Moral Values Educational Leadership*. 43, 4-9.